



«تقیه» مقاومت خاموش است/ جایگاه قاعده «الاهم فی المهم» در بحث مقاومت

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی درباره نسبت تقیه و مقاومت گفت: تقیه نه تنها با مقاومت تنافی ندارد بلکه می تواند مصداق مقاومت خاموش باشد...

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی درباره نسبت تقیه و مقاومت گفت: تقیه نه تنها با مقاومت تنافی ندارد بلکه می تواند مصداق مقاومت خاموش باشد، یعنی انسان به مسئله آگاه است و ظالم و مظلوم را می شناسد و با توجه به آگاهی از روش و زمان مقابله، نیروهایش را برای زمان خاص ذخیره می کند. حجت الاسلام اسدی نسب مدیر قرآن پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در تشریح مفهوم «مقاومت» از دیدگاه اسلام به خبرنگار مهر گفت: قاعده ای داریم که این قاعده بر همه عملکردهای ما حاکم است از جمله مسئله مقاومت، و آن این است که تا آنجا که عقل و شرع برای ما معین کرده است باید در مقابل دشمنان یا در برابر مشکلات مقاومت کنیم چه در مسائل مبنایی و اصولی و چه در مسائل روبنایی و فرعی.

وی افزود: چون عقل و شرع حاکم است لذا هر مورد را باید بسنجیم که مثلاً اگر در اینجا مقاومت کنیم چه به دست می آوریم و چه از دست می دهیم آیا از جهت عقل و نقل ارزش دارد یا خیر. لذا در تاریخ و سیره پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) و نیز گفته فقها مشاهده می کنیم در برخی از موقعیت ها باید مقاومت کرد و در برخی جاها باید مصالحه کرد.

این پژوهشگر با تأکید بر قاعده «الاهم فی المهم» در تصمیمات یادآور شد: همیشه باید در هنگام تزامن بین اهم و مهم در پی اهم باشیم مثلاً در همین بحث توافق هسته ای که اخیراً مطرح شده است، مثلاً اگر ما احساس کنیم که با عدم توافق امکان دارد نظام مان و مردم مان را از دست بدهیم، خب اینجا عقل و شرع می گوید توافق کنید ولو اینکه مقداری از فرصتها را از دست بدهیم چون بقای نظام اهم است و بحث انرژی هسته ای مهم است و البته این نیاز به موضوع شناسی دارد که توسط کارشناسان و اندیشمندان صورت می گیرد.

این قرآن پژوه تصریح کرد: اصل مقاومت یکی از ارزشهای دینی است و به این معنا است که ما در مقابل مشکلاتی که می خواهند مبنای و ارزشهای ما را از بین ببرند، مقاومت کنیم و تسلیم نشویم به طوریکه دشمنان وقتی مقاومت ما را می بینند عقب نشینی کنند اما در جایی امکان دارد مقاومت کنیم اما این مقاومت هیچ ثمری جز به هدر رفتن نیروهایمان در پی نداشته باشد، خب اینجا عقل حکم به مصالحه می دهد و راههای سازش باید بررسی شود اما سازشی که سودمند باشد و قرآن و سیره پیامبر(ص) و ائمه(ع) هم همین مسئله را تأیید می کند همانطور که پیامبر(ص) با مشرکان قرارداد صلح امضا کرد با اینکه عده ای از صحابه ناراحت شدند اما پیامبر(ص) آن را به مصلحت دیدند و امام حسن مجتبی(ع) هم به دلیل شرایطی که تشخیص دادند صلح را در پیش گرفتند.

وی درباره برداشتهای مختلف نسبت به نوع مقاومت گفت: چون هر کسی برداشتی نسبت به این موضوع دارد در مقام عمل و اجرا بهترین معیار برای تشخیص مرز مقاومت، نظر رهبر و پیشوای آگاه جامعه است. هم عقل، هم شرع، هم عرف و هم جامعه دموکراسی امروزه مؤید این نظریه است که ما هیچ راهی برای تعیین مرز و نوع و مقدار مقاومت نداریم الا اینکه مطیع رهبر و در حال حاضر ولی فقیه خودمان باشیم. والا ممکن است هر کسی یک برداشتی از مقاومت داشته باشد و نمی توان که جلوی اندیشه و برداشتها را گرفت اما در مسائل اجتماعی جامعه باید طبق نظر ولی فقیه انجام گیرد گرچه از لحاظ فقهی مقلد شخص دیگری باشد اما در عرصه اجتماعی دنبال ولی فقیه باید بود چون اوست که مرز و نوع مقاومت را تعیین می کند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی درباره نسبت مقاومت و تقیه نیز گفت: مقاومت انواعی دارد یک موقع مقاومت به معنای هجوم به دشمن است اما یک زمان مقاومت به این معنی است که نیروهای خود تا زمان مشخص ذخیره کنید و گاهی جوّ جامعه به گونه ای است که اگر شما بخواهید مقاومت را بروز بدهید، نه تنها فایده ای ندارد بلکه نیروهای خود را هم نابود می کنید در اینجا با توجه به حیل گری دشمن و تسلط ظالم، عقل می گوید شما چون مظلوم واقع شده اید و اگر حرف و حرکتی انجام دهید در سیطره دشمن قرار می گیرید و خود و دیگران را هم نمی توانید نجات دهید؛ اینجا عقل و شرع و عرف حکم می کند که در ظاهر سازش کن و توریه کن و سخنی نگو و این نیرویت را نگه دار تا زمانی که بتوانی در مقابل ظالم بایستی.

حجت الاسلام اسدی نسب در پایان تأکید کرد: مسئله تقیه نه تنها با مقاومت تنافی ندارد بلکه می تواند مصداق مقاومت خاموش باشد، یعنی انسان به مسئله آگاه است و ظالم و مظلوم را می شناسد و نسبت به روش و زمان مقابله آگاهی دارد و نیروهایش را برای زمان خاص ذخیره می کند.

